

ترجمہ

# جواهر الکلام

رہن

(جلد اول)

تألیف استاد فقہا شیخ محمد - ربیع

(متوفی ۱۲۶۶ ق.ھ)

ترجمہ، شرح و توضیح

دکتر اکبر نایب زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

سرشناسه	صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر ۱۲۰۰ - ۱۲۶۶ ق.
عنوان قراردادی	جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، فارسی - عربی، برگزیده، شرح.
عنوان و نام پدیدآور	ترجمه جواهرالکلام: رهن / محمدحسن نجفی؛ ترجمه و شرح و توضیح اکبر نایب‌زاده.
مشخصات نشر	تهران: خرسندی، ۱۳۹۵ -
مشخصات ظاهری	۳۶۸ ص.
شابک	978-600-114-563-6
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	عربی - فارسی / کتابنامه.
موضوع	محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲-۶۷۶ ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام - - نقد و تفسیر فقه جعفری - - قرن ۷ ق.
موضوع	رهن (فقه)
شناسه افزوده	نایب‌زاده، اکبر، ۱۳۲۴ - ، مترجم
شناسه افزوده	محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. برگزیده، شرح
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ۴۰۴۲۳۶۷۳۴ ش ۳/۱۸۲/م BP
رده‌بندی دی‌سی	۲۹۷/۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۲۰۱۴۵۱



## انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه سب‌چی، حقوقی و مجموعه قوانین

تهران، خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان باغی‌نژاد - نرسیده به خیابان دانشگاه -

پلاک ۱۷۴ - و ح

تلفن: ۵ - ۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵ - ۶۶۴۹۰۰۱۲

فروشگاه شماره ۱: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰۳

فروشگاه شماره ۲: میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت)، پلاک ۹۱، تلفن: ۶۶۷۵۵۹۱۰ - ۶۶۹۵۰۷۵۹

فروشگاه شماره ۳: خ انقلاب، نرسیده به میدان فردوسی، کوچه شهید براتی، دانشگاه حقوق دانشگاه آزاد،

طبقه زیرین (قسمت کتابفروشی): ۶۶۷۵۵۹۱۰

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

### ترجمه رهن (جلد اول)

تألیف: تألیف استاد فقها شیخ محمد حسن نجفی (متوفی ۱۲۶۶ هـ. ق)

ترجمه، شرح و توضیح: دکتر اکبر نایب‌زاده

صفحه‌آرایی: الهام پیدایی

چاپ اول: ۱۳۹۵ - شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۲۹۵,۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-563-6

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۴۸۱-۳

## فهرست

- ۱- فصل اول: در عقد رهن ..... ۲۷
- ۲- تعریف رهن ..... ۱۶
- ۳- مناقشه در تعریف رهن ..... ۱۷
- ۴- رهن نیا به ا بناب و قبول دارد ..... ۱۸
- ۵- اشکال در رهن معاملات ..... ۱۹
- ۶- ایجاب هر لفظی است دلالت بر رهن کند ..... ۲۰
- ۷- لازم نیست به عربی باشد ..... ۲۱
- ۸- مراد عقود متعارف است ..... ۲۲
- ۹- صیغه رهن باید به عربی باشد ..... ۲۳
- ۱۰- اگر ناتوان از نطق بود ..... ۲۴
- ۱۱- رهن با نوشتن ..... ۲۵
- ۱۲- اما قبول رهن ..... ۲۶
- ۱۳- رهن در سفر و غیر سفر ..... ۲۷
- ۱۴- قبض شرط صحت نیست ..... ۲۸
- ۱۵- قبض شرط صحت است ..... ۲۹
- ۱۶- اقوال فقها ..... ۳۰
- ۱۷- قبض شرط صحت است نه لزوم ..... ۳۱
- ۱۸- فقها در مورد قبض بر سه قولند ..... ۳۲
- ۱۹- احتمالات بیش از سه قول است ..... ۳۳
- ۲۰- نقد برخی اقوال ..... ۳۴

- ۲۱- مختار صاحب جواهر..... ۳۵
- ۲۲- مرتهن حق دارد خواستار قبض رهن باشد..... ۳۶
- ۲۳- ایراد علامه..... ۳۷
- ۲۴- رهن قبل از قبض از تکلیف خارج شود..... ۳۸
- ۲۵- آیه برای ارشاد است..... ۳۹
- ۲۶- روایت لارهن الامقبوضاً..... ۴۰
- ۲۷- توجیه راییت مزبور..... ۴۱
- ۲۸- تعارض جماعها در این مسأله..... ۴۲
- ۲۹- مرتهن بدون اذن رهن قبض کند..... ۴۲
- ۳۰- قبض منصرف قبض باذن است..... ۴۳
- ۳۱- استدلال بر جواز قبض بدون اذن..... ۴۴
- ۳۲- به عقیده صاحب جواهر قبض با اذن ندارد..... ۴۵
- ۳۳- رهن را در عقد لازم شرط کنند..... ۴۶
- ۳۴- اگر قبض شرط لزوم بود..... ۴۷
- ۳۵- رهن اذن داده و برگردد..... ۴۸
- ۳۶- رهن قبل از قبض از تکلیف خارج شود..... ۴۹
- ۳۷- بطلان عقد جایز با خروج از تکلیف..... ۵۰
- ۳۸- علامه گفته باطل نیست..... ۵۱
- ۳۹- اگر مرتهن قبل از قبض بمیرد..... ۵۲
- ۴۰- ادامه قبض شرط نیست..... ۵۳
- ۴۱- سنیها ادامه را شرط می دانند..... ۵۴
- ۴۲- اگر رهن را به رهن برگرداند..... ۵۵
- ۴۳- اگر رهن در دست مرتهن بود..... ۵۶
- ۴۴- اگر مرتهن رهن را غصب کرده بود..... ۵۶

- ۴۵- اختلاف فقهاء..... ۵۸
- ۴۶- از غاصب نمی‌توان اسقاط ضمان کرد..... ۵۹
- ۴۷- ودیعه باشد قبض مجدد لازم نیست..... ۶۰
- ۴۸- برای قبض گذشت زمان لازم نیست..... ۶۱
- ۴۹- ودیعه و عاریه و غصب فرقی ندارد..... ۶۲
- ۵۰- شیخ گذشت زمان را لازم می‌دانست..... ۶۳
- ۵۱- گذشت زمان قول شافعی است..... ۶۴
- ۵۲- رهن چنانچه غائب صحیح نیست..... ۶۵
- ۵۳- در غایب می‌تواند برای قبض وکالت دهد..... ۶۶
- ۵۴- رهن اقرار به قبض..... ۶۷
- ۵۵- اگر ادعا کند که اقرار در نهایت صورتی بود..... ۶۷
- ۵۶- اگر ادعا کند که قبض را استیجابی اقرار کرده..... ۶۸
- ۵۷- انکار پس از اقرار او را می‌پذیرد..... ۶۹
- ۵۸- اگر شهود به خود قبض شهادت دادند..... ۷۰
- ۵۹- رهن مال مشاع..... ۷۰
- ۶۰- قبض باید با اذن شریک باشد..... ۷۱
- ۶۱- اذن شریک لازم نیست..... ۷۱
- ۶۲- اگر مال مشاع را بدون اذن شریک به مرتهن داد..... ۷۲
- ۶۳- اگر مرتهن در قبض به شریک وکالت دهد..... ۷۳
- ۶۴- فصل دوم: در شرایط رهن..... ۷۴
- ۶۵- شرط اول- رهن باید عین مملوک باشد..... ۷۴
- ۶۶- رهن دین صحیح نیست..... ۷۵
- ۶۷- اگر دین در ذمه مرتهن بود..... ۷۶
- ۶۸- اشکال در قبض دین..... ۷۷

- ۶۹- دین چون وثیقه نیست رهن آن صحیح نیست..... ۷۸
- ۷۰- به نظر ما رهن دین صحیح است..... ۷۹
- ۷۱- آری رهن دین موجب صحیح نیست..... ۸۰
- ۷۲- رهن منفعت صحیح نیست..... ۸۱
- ۷۳- چون منافع قابل قبض نیست..... ۸۲
- ۷۴- عمده دلیل اجماع است..... ۸۳
- ۷۵- وگرنه منفعت در اجاره قابل قبض است..... ۸۴
- ۷۶- در رهن مدبر تردید است..... ۸۵
- ۷۷- رهن مدبر احوال رهن است..... ۸۶
- ۷۸- اقوال فقها..... ۸۷
- ۷۹- شش یا هفت احتمال است..... ۸۸
- ۸۰- قول اول اقوی است رهن صحیح تدبیر باطل است..... ۹۹۹
- ۸۱- تدبیر چون قابل رجوع است..... ۹۹۹
- ۸۲- خدمت برده را رهن بگذارند..... ۹۱
- ۸۳- فروش خدمت برده بدون خود او صحیح است..... ۹۲
- ۸۴- اقوال در فروش خدمت..... ۹۳
- ۸۵- روایت معارض در فروش خدمت..... ۹۴
- ۸۶- برای اینکه میبایع منافع نباشد روایات را باید توجیه کرد..... ۹۵
- ۸۷- روایات درباره تدبیر..... ۹۶
- ۸۸- نقل قول از حدائق..... ۹۷
- ۸۹- مفتاح الکرامه آن را رد کرده است..... ۹۸
- ۹۰- شرط دوم: رهن لازم است مال راهن باشد..... ۹۹
- ۹۱- رهن فضولی..... ۹۹
- ۹۲- رهن تبرعی صحیح است..... ۱۰۰

- ۹۳- مال خود را با مال دیگری رهن گذارد..... ۱۰۱
- ۹۴- ابوحنیفه در رهن مشاع اشکال کرده ..... ۱۰۲
- ۹۵- سهم خود را از مال مشاع رهن بگذرد..... ۱۰۳
- ۹۶- اگر مسلمان خمر را رهن بگذارد..... ۱۰۴
- ۹۷- اگر ذمی خمر را نزد مسلمان رهن بگذارد..... ۱۰۴
- ۹۸- اگر خمر را نزد ذمی رهن بگذارند ..... ۱۰۵
- ۹۹- آری مسلمان ثمن خمر را از ذمی می‌تواند بگیرد ..... ۱۰۶
- ۱۰۰- رهن گذاشتن زمین خراجی ..... ۱۰۷
- ۱۰۱- رهن ارض خراجی با عیان آن ..... ۱۰۸
- ۱۰۲- شرط سوم: رهن باید قابل قبض باشد ..... ۱۰۹
- ۱۰۳- چیزی که قابل قبض نیست رهن آن نیز صحیح نیست ..... ۱۰۹
- ۱۰۴- آیا قبض در زمان عقد یا در زمان تسلیم لازم است ..... ۱۱۰
- ۱۰۵- مانند بیع قدرت بر تسلیم شرط است ..... ۱۱۱
- ۱۰۶- قرآن را نزد کافر رهن بگذارد..... ۱۱۲
- ۱۰۷- آیا کافر در قرآن یا برده مسلمان می‌تواند حق رهن داشته باشد..... ۱۱۳
- ۱۰۸- شرط چهارم: رهن چیزی است که قابل فروش باشد ..... ۱۱۴
- ۱۰۹- اگر مال وقفی را رهن بگذارد..... ۱۱۴
- ۱۱۰- اگر فروخته شد بدل آن باید وقف باشد..... ۱۱۵
- ۱۱۱- چیزی را که نذر کرده رهن بگذارد ..... ۱۱۶
- ۱۱۲- منظور از شرط چهارم قابلیت انتقال است ..... ۱۱۷
- ۱۱۳- رهن در زمان خیار صحیح است ..... ۱۱۸
- ۱۱۴- شیخ مخالف است ..... ۱۱۸
- ۱۱۵- اگر بایع خیار داشت شهید ثانی مخالف است ..... ۱۱۹
- ۱۱۶- اگر خریدار خیار داشت سه احتمال است ..... ۱۲۰
- ۱۱۷- اگر هدیه را رهن بگذارد ..... ۱۲۱

- ۱۱۸- برده مرند را رهن گذاشتن صحیح است ..... ۱۲۲
- ۱۱۹- ادعای این که نفعی ندارد رد می‌شود ..... ۱۲۳
- ۱۲۰- اشکال در رهن بودن آن ..... ۱۲۴
- ۱۲۱- برده قاتل خطا را می‌توان رهن گذاشت ..... ۱۲۵
- ۱۲۲- در قاتل عمد تردید است ..... ۱۲۵
- ۱۲۳- حق جنایت مقدم بر رهن است ..... ۱۲۶
- ۱۲۴- اگر برده رهن به جنایت اقرار کند ..... ۱۲۷
- ۱۲۵- اگر برده قبل از رهن بودن جنایت کند ..... ۱۲۸
- ۱۲۶- اگر بگوید قبل از رهن این برده را آزاد کرده بودم ..... ۱۲۸
- ۱۲۷- اگر برده را به نفع کسی اقرار کند ..... ۱۲۹
- ۱۲۸- اگر مالک جنایت برده‌اش را خریداری کند ..... ۱۳۰
- ۱۲۹- اگر برده رهن بر برده مالک تکب جنایت شود ..... ۱۳۱
- ۱۳۰- چیزی را که زود فاسد می‌شود آن نگذارند ..... ۱۳۲
- ۱۳۱- اگر فروش آن را شرط کنند صحیح است ..... ۱۳۳
- ۱۳۲- اگر نفروختن آن شرط شود ..... ۱۳۴
- ۱۳۳- قولی است که در اینصورت غیر صحیح است ..... ۱۳۵
- ۱۳۴- امولد را نمی‌توان رهن گذاشت ..... ۱۳۶
- ۱۳۵- ابن جنید گفته جایز است ..... ۱۳۷
- ۱۳۶- اگر مالک تروتمند بود ..... ۱۳۸
- ۱۳۷- کنیز را جدا از فرزندش می‌توان رهن گذاشت ..... ۱۳۹
- ۱۳۸- اگر کنیز و بچه‌اش با هم فروخته شدند ..... ۱۴۰
- ۱۳۹- اضافه قیمت چگونه تقسیم می‌شود ..... ۱۴۱
- ۱۴۰- قول علامه و شهید ..... ۱۴۲
- ۱۴۱- رهن گذاشتن مالی که در آن حق مجهولی است ..... ۱۴۳
- ۱۴۲- رهن مردد صحیح نیست ..... ۱۴۵
- ۱۴۳- اگر موقع قبض معین شود صحیح است ..... ۱۴۷



- ۱۴۴- فصل سوم: در اوصاف حق ..... ۱۴۸
- ۱۴۵- حق باید دین و ثابت در ذمه باشد ..... ۱۴۸
- ۱۴۶- اول رهن سپس قرض صحیح نیست ..... ۱۴۹
- ۱۴۷- رهن بر اموال مضمونه صحیح نیست ..... ۱۵۰
- ۱۴۸- اشکالات رهن بر اعیان مضمونه ..... ۱۵۲
- ۱۴۹- روایتی در این مورد ..... ۱۵۳
- ۱۵۰- برای میبوع و ثمن می‌توان رهن گرفت ..... ۱۵۵
- ۱۵۱- علامه گفته رهن بر اعیان مضمونه صحیح است ..... ۱۵۶
- ۱۵۲- بر هر چیزی که می‌توان رهن گرفت می‌توان ضامن گرفت ..... ۱۵۷
- ۱۵۳- روایات رهن بی در ثمن و میبوع را شامل می‌شود ..... ۱۵۹
- ۱۵۴- اگر رهن و سبب آن را در یک عقد بیاورند ..... ۱۶۰
- ۱۵۵- شافعی‌ها گفته‌اند ایجاب بیع بار مقدم باشد ..... ۱۶۲
- ۱۵۶- اقوال فقها در صحت آن ..... ۱۶۴
- ۱۵۷- شرط رهن به صورت نتیجه ..... ۱۶۵
- ۱۵۸- منظور از ثابت بودن قطعی بودن نیست ..... ۱۶۶
- ۱۵۹- رهن برای دیه قبل از استقرار (قبل از تمام شدن عوا) برمان ..... ۱۶۷
- ۱۶۰- برای هر قسط قبل از حلول آن صحیح نیست ..... ۱۶۹
- ۱۶۱- بر جنایت شبه عمدی رهن گرفتن صحیح است ..... ۱۷۱
- ۱۶۲- رهن بر مال جعاله قبل از عمل صحیح نیست ..... ۱۷۲
- ۱۶۳- رهن بر مال کتابت ..... ۱۷۴
- ۱۶۴- برای منافع نمی‌توان رهن گرفت ..... ۱۷۶
- ۱۶۵- برای عمل مطلق می‌توان رهن گرفت ..... ۱۷۷
- ۱۶۶- اگر دوباره قرض کرد ..... ۱۷۸
- ۱۶۷- رهن برای دو بدهی ..... ۱۷۹
- ۱۶۸- اجازه رهن دوم ابطال رهن اول نیست ..... ۱۸۱

- ۱۶۹- اگر مرتهن دوم از حق خود صرفنظر کند..... ۱۸۲
- ۱۷۰- اگر رهن برای دین اول فروخته شد..... ۱۸۳
- ۱۷۱- رهن برای تمام اجزاء دین رهن است..... ۱۸۵
- ۱۷۲- اگر مرتهن متعدد و رهن یکی بود..... ۱۸۸
- ۱۷۳- اگر ورثه مرتهن متعدد بودند..... ۱۸۹
- ۱۷۴- فصل چهارم: شرایط راهن..... ۱۹۱
- ۱۷۵- در رهن عقل و بلوغ و رشد شرط است..... ۱۹۱
- ۱۷۶- رهن با کراه صحیح نیست..... ۱۹۲
- ۱۷۷- ولی مرتهن در صورت لزوم مال صغیر را رهن بگذارد..... ۱۹۲
- ۱۷۸- فصل پنجم: در شرایط مرتهن..... ۱۹۵
- ۱۷۹- مرتهن باید عاقل بالغ رشد باشد..... ۱۹۵
- ۱۸۰- ولی برای مال طفل می تواند رهن بگیرد..... ۱۹۶
- ۱۸۱- در چه صورتی می تواند مال مانع را قرض دهد..... ۱۹۷
- ۱۸۲- معنی آیه ولاتقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن..... ۱۹۹
- ۱۸۳- منظور از احسن آنچه که عقلا آن را احسن می دانند..... ۲۰۰
- ۱۸۴- مال یتیم را جز با غبطه نمی توان فروخت..... ۲۰۱
- ۱۸۵- نمی توان قرض داد مگر در صورت ضرورت..... ۲۰۲
- ۱۸۶- به تقه باید قرض داد..... ۲۰۳
- ۱۸۷- قیم از مال طفل می تواند قرض کند..... ۲۰۶
- ۱۸۸- در ضمن عقد، مرتهن را برای فروش وکیل کند..... ۲۰۷
- ۱۸۹- این وکالت قابل عزل نیست..... ۲۰۸
- ۱۹۰- ایراد در آن..... ۲۰۹
- ۱۹۱- وکالت به صورت شرط نتیجه..... ۲۱۱
- ۱۹۲- با فوت راهن وکالت باطل است..... ۲۱۲
- ۱۹۳- رهن باطل نیست..... ۲۱۳

- ۱۹۴- اگر مرتهن مرد وکالت بورثه او منتقل نمی‌شود..... ۲۱۴
- ۱۹۵- اگر مرتهن مرد رهن در ترکه او پیدا نشد..... ۲۱۸
- ۱۹۶- اگر عین او معلوم نشد مال خودش است..... ۲۱۹
- ۱۹۷- مسأله شش صورت دارد..... ۲۲۵
- ۱۹۸- مرتهن می‌تواند رهن را خریداری نماید..... ۲۲۷
- ۱۹۹- مرتهن در استیفای دین از رهن حق تقدم دارد..... ۲۲۹
- ۲۰۰- اگر رهن برای دین کفایت نکرد..... ۲۳۰
- ۲۰۱- رهن در دست مرتهن امانت است..... ۲۳۱
- ۲۰۲- روایت در این مورد..... ۲۳۲
- ۲۰۳- اخبار معارض..... ۲۳۴
- ۲۰۴- این روایت مربوط به حصر و تعلی و تفریط است..... ۲۳۶
- ۲۰۵- اگر رهن در دست مرتهن تلفات شد..... ۲۳۷
- ۲۰۶- اگر تفریط نکرده است چیزی از دست او ضایع نمی‌شود..... ۲۳۹
- ۲۰۷- اگر مرتهن از رهن استفاده کرده است..... ۲۴۰
- ۲۰۸- اگر رهن خرج داشت..... ۲۴۳
- ۲۰۹- اقوال فقهاء..... ۲۴۴
- ۲۱۰- مرتهن استفاده کرده و خرج آن را هم می‌دهد..... ۲۴۵
- ۲۱۱- تصرف در رهن بدون اجازه راهن صحیح نیست..... ۲۴۶
- ۲۱۲- اگر مرتهن استفاده کرد تقاض می‌شود..... ۲۴۷
- ۲۱۳- برای خرج کردن نیازی به اجازه حاکم نیست..... ۲۵۰
- ۲۱۴- مرتهن می‌تواند طلب خود را از رهن وصول کند..... ۲۵۲
- ۲۱۵- اگر مرتهن به رهن اعتراف و ادعای دین کند..... ۲۵۴
- ۲۱۶- اگر مرتهن با کنیز رهن نزدیکی کند..... ۲۵۷
- ۲۱۷- رهن را نزد امین می‌گذارند..... ۲۵۹
- ۲۱۸- عادل باید رهن را به هر دو تحویل دهد..... ۲۶۱

- ۲۱۹- اگر به دیگری داد ضامن است..... ۲۶۲
- ۲۲۰- اگر مرتهن و راهن رهن را نگرفتند به حاکم می دهند..... ۲۶۴
- ۲۲۱- اگر عادل عذر پیدا کرد به حاکم تحویل می دهد..... ۲۶۵
- ۲۲۲- اگر رهن را به دو نفر عادل بسپارند..... ۲۶۶
- ۲۲۳- اگر رهن را فروخته و ثمن معیوب بود..... ۲۷۰
- ۲۲۴- اگر رهن غصب شد خریدار ثمن را برمی گرداند..... ۲۷۵
- ۲۲۵- شیخ گفته به وکیل رجوع می کند..... ۲۷۸
- ۲۲۶- اگر مرتهن مرد راهن می تواند از دادن رهن بورته خودداری کند..... ۲۸۰
- ۲۲۷- یا به امین موافقت و یا حاکم امین تعیین کند..... ۲۸۲
- ۲۲۸- اگر مرتهن رهن را از دست راهن غصب کند..... ۲۸۶
- ۲۲۹- فهرست عمومی..... ۲۸۷
- ۲۳۰- اسامی مقدّس..... ۲۸۹
- ۲۳۱- آیات کریمه..... ۲۹۰
- ۲۳۲- روایات وارده..... ۲۹۱
- ۲۳۳- اعلام..... ۲۹۵
- ۲۳۴- شرح مختصری بر اعلام..... ۳۰۱
- ۲۳۵- منابع..... ۳۳۳
- ۲۳۶- شرح مختصری بر منابع..... ۳۳۹
- ۲۳۷- مواد قانونی..... ۳۶۳
- ۲۳۸- کتاب‌هایی که در نوشتن تعلیقات از آنها استفاده شده است..... ۳۶۵